Governance and Development Journal
Online ISSN: 2783-3461
Homepage: www.jipaa.ir
Iranian Scientific Association of Public Administration
University of Sistan and Baluchestan

Representation of University Social Responsibility in Policy Documents emphasizing on sustainable development (An Inductive Analysis for Conceptual Framework Development)

Sayedeh Alemohammad

Assistant Professor, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran
Sh.alemohammad@ut.ac.ir

Abstract:

In recent decades, the concept of University Social Responsibility has emerged as a comprehensive approach to redefining the role of universities in addressing complex social, environmental, and institutional challenges. Universities are no longer merely institutions for knowledge production and professional training; rather, they are recognized as influential social actors and policy-makers contributing to sustainable development. This article employs an inductive qualitative content analysis to examine the conceptual and policy-oriented dimensions of University Social Responsibility. By analyzing official documents, policy reports, and credible academic sources, the study identifies key components of university social responsibility. The analysis led to the extraction of four major categories: “social and environmental sustainability”, “university community embeddedness”, “Responsible university and social accountability”, and “transformative governance”. The findings suggest that realizing University Social Responsibility requires moving beyond symbolic approaches toward

Article type: Research

Cite this article: S. Alemohammad (2026). Representation of University Social Responsibility in Policy Documents emphasizing on sustainable development (An Inductive Analysis for Conceptual Framework Development). Governance and Development Journal, 6 (3), 157-185.
.DOI: 10.22111/JIPAA.2026.52854.1084.
Received: 05.08.2026 **Revised:** 07.03.2026
Accepted: 24.07.2026 **Published:** 23.09.2026

© The Author (s Publisher: University of Sistan and Baluchestan

transparent, participatory, responsive, and learning-based institutional structures. Within this framework, "transformative governance" emerges as an innovative approach enabling the institutionalization of sustainability in universities. The study underscores the necessity of redesigning higher education policies with a focus on intergenerational justice, institutional accountability, and active engagement with society. The results may serve as a foundation for developing localized models of University Social Responsibility in Iranian universities and other developing countries.

Keywords: University Social Responsibility, Sustainability, Transformative Governance, Content Analysis, Policy.

حکمرانی و توسعه
شاپا الکترونیکی: ۲۷۸۳-۳۴۶۱
Homepage: www.jipaa.ir

بازنمایی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در اسناد سیاستی با تاکید بر توسعه پایدار (تحلیل استقرایی برای چارچوب‌سازی مفهومی)

سیده آل‌محمد[۱]

[۱]. استادیار، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.Sh.alemohammad@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها:
مسئولیت اجتماعی دانشگاه، پایداری، حکمرانی تحول‌خواه، تحلیل محتوا، خط‌مشی.

چکیده

در دهه‌های اخیر، مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاه به‌عنوان رویکردی کل‌نگر برای بازتعریف نقش دانشگاه‌ها در مواجهه با چالش‌های پیچیده اجتماعی، محیط‌زیستی و نهادی، جایگاه برجسته‌ای در گفتمان آموزش عالی یافته است. دانشگاه‌ها دیگر صرفاً نهادهایی برای تولید دانش و تربیت نیروی متخصص نیستند، بلکه به‌عنوان کنشگران اجتماعی و خط‌مشی‌گذاران مؤثر، در تحقق توسعه پایدار ایفای نقش می‌کنند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی، به بررسی ابعاد مفهومی و خط‌مشی‌گذارانه مسئولیت اجتماعی دانشگاه پرداخته و تلاش کرده است از طریق تحلیل اسناد رسمی، گزارش‌های سیاستی و متون علمی معتبر، مؤلفه‌های کلیدی این مسئولیت را شناسایی کند. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج چهار مقوله اصلی شامل "پایداری اجتماعی و محیط‌زیستی"، "جامعه‌پذیری و جامعه‌محوری دانشگاه"، "دانشگاه مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گویی اجتماعی" و "حکمرانی تحول‌خواه" شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد تحقق مسئولیت اجتماعی مستلزم عبور از رویکردهای نمادین و حرکت به سوی نهادهای یادگیرنده، پاسخ‌گو، مشارکت‌جو و شفاف است. در این چارچوب، مفهوم "حکمرانی تحول‌خواه" به‌مثابه رویکردی نوین، ظرفیت‌ساز نهادینه‌سازی پایداری در دانشگاه‌ها تلقی می‌شود. این پژوهش، بر ضرورت بازطراحی خط‌مشی‌های آموزش عالی با تأکید بر عدالت بین‌نسلی، پاسخگویی نهادی و پیوند فعال با جامعه تأکید می‌کند. نتایج می‌تواند مبنایی برای طراحی الگوهای بومی مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌های ایران و سایر کشورهای در حال توسعه فراهم آورد.

استناد: آل‌محمد، سیده (۱۴۰۵) "بازنمایی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در اسناد سیاستی با تاکید بر توسعه پایدار (تحلیل استقرایی برای چارچوب‌سازی مفهومی)" *حکمرانی و توسعه*، (۳)۶، ۱۸۵-۱۵۷.
DOI: 10.22111/JIPAA.2026.52854.1084

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

© نویسندگان

۱ -مقدمه و بیان مساله

مقدمه موضوع

در دهه‌های اخیر، مفاهیم مرتبط با عدالت اجتماعی، مشارکت عمومی و پایداری، به شکل فزاینده‌ای در گفتمان‌های آکادمیک و خط‌مشی‌گذاری عمومی جای گرفته‌اند. در این میان، دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهایی فراتر از وظایف سنتی آموزش و پژوهش، وارد مرحله‌ای جدید از بازتعریف نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی خود شده‌اند. دیگر از دانشگاه‌ها انتظار نمی‌رود صرفاً دانش تولید کنند یا نیروی متخصص تربیت نمایند، بلکه باید در قبال مسائل جامعه، از تغییرات اقلیمی گرفته تا نابرابری‌های اجتماعی، پاسخ‌گو و کنشگر باشند. این نگرش جدید، در قالب مفهومی تحت عنوان مسئولیت اجتماعی دانشگاه[1](USR) تبلور یافته که به‌طور روزافزونی در خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی، مدیریت دانشگاهی و مطالعات جامعه‌شناختی دانشگاه مطرح شده است (Fauzi et al, 2024; Ouragini & Ben Hassine Louzir, 2024; Watson et al., 2011; Vallaeys, 2014). مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاه، در پیوند با نظریه‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و حکمرانی مشارکتی شکل گرفته است. پژوهشگران متعددی تأکید کرده‌اند که مسئولیت اجتماعی باید به بخشی از ژنتیک نهادی دانشگاه بدل شود (McIlrath & Labhrainn; Vallaeys, 2014; Tilbury, 2011).

ضرورت موضوع

امروز در بستر مسئولیت اجتماعی، دانشگاه نه‌تنها بازیگری برای انتقال دانش، بلکه شریکی برای توسعه اجتماعی، توانمندسازی شهروندان، حمایت از دموکراسی، و پیشبرد عدالت محیطی و اجتماعی محسوب می‌شود. نقش دانشگاه در این چارچوب، یک نقش اخلاقی صرف نیست، بلکه نهادی راهبردی و خط‌مشی‌گذارانه است. این نقش با پارادایم‌های نوین حکمرانی شبکه‌ای[2]، خط‌مشی‌گذاری مشارکتی[3] و توسعه پایدار گره خورده است. توسعه پایدار، به‌معنای تلفیق عدالت بین‌نسلی، زیست‌پذیری محیطی و پایداری نهادی است. دانشگاه‌ها از طریق گفتمان‌سازی، آموزش بین‌رشته‌ای و مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی، می‌توانند به توسعه انسانی پایدار یاری رساند (UNESCO, 2017). به طور مثال از تحولاتی که توجه به مسئولیت اجتماعی دانشگاه را ضروری کرده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: افول اعتماد عمومی به نخبگان سنتی و نهادهای سیاسی، رشد جنبش‌های اجتماعی مطالبه‌گر، پیچیدگی فزاینده مسائل جهانی (از جمله اقلیم، سلامت، مهاجرت و نابرابری) ، جهانی‌شدن آموزش عالی و رقابت میان دانشگاه‌ها، ضرورت پیوند نهاد علم با شرایط محلی و نیازهای اجتماعی. به موازات این تحولات، مفهوم توسعه انسانی نیز با تغییرات چشمگیری مواجه شده است (Kinol et al, 2023; Jones et al,

[1]- University Social Responsibility
[2]- Network Governance
[3]- Participatory Policymaking

(Nussbaum, 2011; Sachs, 2015 ;2021. توسعه انسانی صرفاً مترادف با آموزش یا سلامت نیست، بلکه توانمندسازی افراد برای تحقق زیست معنادار، مشارکت در جامعه و داشتن گزینه‌های واقعی برای انتخاب سبک زندگی ارزشمند را شامل می‌شود. این رویکرد با مفهوم «پایداری» نیز تلاقی می‌یابد.

اهمیت موضوع

سازمان‌هایی مانند یونسکو و اتحادیه دانشگاه‌های اروپا، به‌طور جدی بر نقش دانشگاه‌ها در تحقق اهداف توسعه پایدار تأکید کرده‌اند. در بیانیه‌هایی مانند «چارت دانشگاه برای توسعه پایدار» (۲۰۱۰) و گزارش‌های شورای بین‌المللی علوم اجتماعی، نقش دانشگاه‌ها در طراحی خط‌مشی‌های محیط‌زیستی، ارتقای عدالت آموزشی و گسترش ظرفیت‌های محلی به‌عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی آن‌ها قلمداد شده است. با وجود این، به نظر می‌رسد هنوز در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، نسبت میان دانشگاه، خط‌مشی عمومی و توسعه انسانی در چارچوبی منسجم و ساختاری تحلیل نشده است. اغلب رویکردها یا توصیفی و تجویزی‌اند یا دچار ساده‌سازی مفاهیم پیچیده‌ای چون «پایداری»، «توسعه انسانی» و «حکمرانی چندسطحی» هستند (Romero-Argueta & Acuña-Moraga, 2025; Acuña-Moraga et al, 2025). دانشگاه‌ها می‌توانند و باید در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، به‌عنوان بازیگران فعال، کنشگر و پایداری‌ساز حضور یابند. کنشگرانی که نه فقط تحلیل‌گر، بلکه هم‌افزا، تسهیل‌گر و تولیدکننده دانش سیاستی هستند. در چنین بستری، لازم است به مسئولیت اجتماعی دانشگاه نه به‌مثابه پروژه‌ای مقطعی یا داوطلبانه، بلکه به‌مثابه بخشی از خط‌مشی‌گذاری عمومی برای تحقق توسعه پایدار نگریسته شود.

مساله اصلی

با وجود گسترش مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ادبیات جهانی، در فضای آموزش عالی کشور ایران، این مفهوم هنوز در اسناد سیاستی به‌صورت منسجم و عملیاتی نهادینه نشده است. گرچه اسنادی مانند نقشه جامع علمی کشور، سند تحول آموزش عالی، و بیانیه گام دوم انقلاب به نقش اجتماعی دانشگاه‌ها اشاره دارند، اما این اشارات عمدتاً کلی، توصیه‌محور و فاقد نظام‌مندی اجرایی هستند. به همین دلیل، مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها بیشتر در قالب فعالیت‌های موردی یا نمادین دیده می‌شود و پیوند آن با خط‌مشی‌گذاری عمومی هنوز نیازمند تبیین نظری و تحلیل سیاستی عمیق‌تری است. مقاله حاضر در پاسخ به این نیاز، تلاش می‌کند با تحلیل استقرایی اسناد داخلی و فراملی، بنیانی برای بازفهم مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها فراهم آورد؛ بنیانی که می‌تواند زمینه‌ساز طراحی الگوهای بومی در آینده و بسترساز گفتمان‌سازی راهبردی در خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی باشد. هدف اصلی این پژوهش، واکاوی مفهوم و کارکرد مسئولیت اجتماعی دانشگاه و ارائه چارچوبی نظری برای بازفهم آن در قالب خط‌مشی‌گذاری عمومی با تأکید بر توسعه پایدار است؛ چارچوبی که در آن دانشگاه‌ها نه به‌عنوان نهادهای منفعل، بلکه به‌مثابه سازمان‌های عمومی دانایی محور، توان تأثیرگذاری پایدار بر زیست جمعی را داشته باشند.

نحوه سازماندهی مقاله

مقاله حاضر با درک خلأ مفهومی و سیاستی در نسبت میان نظریه و عمل در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه، به‌صورت جهت‌دار تلاش می‌کند ابعاد خط‌مشی‌گذارانه این مفهوم را در پیوند با توسعه پایدار واکاوی کند. پژوهش با اتخاذ رویکرد تحلیل محتوای کیفی و با بهره‌گیری از منطق استقرایی، اسناد و متون سیاستی را مورد مطالعه قرار داده و از طریق کدگذاری چندمرحله‌ای، مسیر تحلیل را از سطح گزاره‌های خرد به ساختار مفهومی کلان پی‌گرفته است. با پرهیز از اتکا بر دسته‌بندی‌های از پیش‌موجود، تلاش شده است مسئولیت اجتماعی دانشگاه به‌مثابه مفهومی زنده و متکثر، از دل گفتمان‌ها و اسناد سیاستی بازشناسی شود؛ مفهومی که نه صرفاً یک تعهد اخلاقی بیرونی، بلکه فرآیندی درونی برای بازاندیشی در حکمرانی دانشگاه و بازسازی پیوند آن با جامعه محسوب می‌شود. این فرآیند تحلیلی شامل سه گام کدگذاری باز، محوری و انتخابی بوده که از جزء به کل حرکت کرده و امکان استنتاج ساختارمند و سپس بازگشت به تفسیرهای قیاسی را نیز فراهم ساخته است.

در این مسیر، هدف نهایی پژوهش آن بوده است که با تحلیل داده‌محور و بدون تحمیل چارچوب‌های نظری بیرونی، مؤلفه‌ها و مضامینی را که در خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی پیرامون مسئولیت اجتماعی تکرار می‌شوند، استخراج کرده و در قالب یک چارچوب مفهومی استقرایی سامان دهد. مطالعه حاضر با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از اسناد داخلی و فراملی، در پی آن است که تصویری معنادار و نظام‌مند از فهم سیاستی مسئولیت اجتماعی دانشگاه ارائه دهد؛ فهمی که چهار محور پایداری، پاسخ‌گویی، جامعه‌محوری و حکمرانی را در بر می‌گیرد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود: در اسناد سیاستی آموزش عالی، مسئولیت اجتماعی دانشگاه چگونه بازنمایی شده و این بازنمایی چه مقوله‌ها و مضامینی را برای تدوین یک چارچوب مفهومی استقرایی، با اتکا بر تحلیل اسناد داخلی و فراملی، آشکار می‌سازد؟

۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱- ادبیات نظری

در سال‌های اخیر، مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از محورهای اصلی در گفتمان آموزش عالی، به‌ویژه در پیوند با موضوعات توسعه پایدار، حکمرانی مشارکتی، سرمایه اجتماعی و عدالت آموزشی مطرح شده است. این مفهوم، پاسخی به تحولات جهانی در نقش دانشگاه‌ها نسبت به جامعه، محیط‌زیست و نسل‌های آینده است؛ تحولی که دانشگاه‌ها را از نهادهایی صرفاً تولیدکننده دانش، به کنشگرانی فعال در فرآیندهای اجتماعی و خط‌مشی‌گذاری عمومی بدل کرده است (Watson et al., 2011; Vallaeys, 2014; UNESCO, 2017). در ادبیات موجود، رویکردهای مختلفی برای تبیین مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها ارائه شده است. رویکرد نهادی، دانشگاه را به‌مثابه بازیگری عمومی در عرصه

خط‌مشی‌گذاری اجتماعی می‌بیند و مسئولیت اجتماعی را بخشی از مأموریت رسمی آن تلقی می‌کند (Watson et al., 2011). رویکرد فرهنگی-اخلاقی، بر پایه ارزش‌های دموکراتیک، پاسخ‌گویی و پایداری، این مسئولیت را برخاسته از تعهد درونی دانشگاه به جامعه می‌داند (Vallaeys, 2014). در سوی دیگر، رویکرد ساختاری-تحلیلی با تمرکز بر بسترهای نهادی، قانونی و سیاستی، به امکان‌پذیری و نحوه نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی می‌پردازد (Fauzi et al., 2024; Acuña-Moraga et al., 2025).

با وجود این رویکردها، بسیاری از مطالعات پیشین یا در سطح نظریه‌پردازی انتزاعی باقی مانده‌اند یا به مصادیق موردی و تجویزی بسنده کرده‌اند. این امر موجب شده است هنوز چارچوبی تحلیلی که از درون اسناد سیاستی و بر پایه بافت فرهنگی و نهادی کشورها استنتاج شود، به‌صورت منسجم در دسترس نباشد. در پاسخ به این خلأ، پژوهش حاضر از رویکرد تحلیل محتوای کیفی استقرایی بهره برده است. این رویکرد، به جای تحمیل چارچوب‌های نظری پیشینی، اجازه می‌دهد ابعاد و مقوله‌های مسئولیت اجتماعی از دل داده‌ها، یعنی اسناد سیاستی رسمی داخلی و بین‌المللی، استخراج شود. انتخاب این مسیر تحلیلی، با توجه به تعدد تعاریف، تنوع بافت‌های نهادی و نیاز به زمینه‌مندی مفهومی توجیه‌پذیر بوده است.

در عین حال، این تحلیل استقرایی، مبتنی بر یک خلأ نظری نبوده است. پژوهش حاضر از چهار دسته مبانی نظری بهره برده که جهت‌گیری تحلیلی آن را پشتیبانی کرده‌اند: ۱) مبانی توسعه پایدار با تأکید بر عدالت بین‌نسلی و زیست‌پذیری نهادی (UNESCO, 2017; Kioupi & Voulvoulis, 2020، 2) نظریه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی همچون بوردیو، کلمن و پاتنام که به نقش دانشگاه در بازتولید اعتماد عمومی و توانمندسازی جامعه می‌پردازند، ۳) نظریه‌های حکمرانی مشارکتی و شبکه‌ای که دانشگاه را یکی از کنشگران هم‌افزا در خط‌مشی‌گذاری عمومی می‌دانند (Benneworth et al., 2013; Goddard et al., 2016) و در نهایت ۴) ادبیات یادگیری نهادی و حکمرانی تحول‌خواه که به ضرورت بازاندیشی در ساختارها، مأموریت‌ها و نقش اجتماعی دانشگاه تأکید دارند. (Sterling, 2010; Škokić et al., 2025) بنابراین، پژوهش حاضر با اتکا به این بنیان‌های نظری و با استفاده از روش استقرایی، تلاش کرده است تصویری چندبعدی از مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها ارائه دهد؛ تصویری که ضمن بهره‌مندی از ادبیات نظری موجود، از دل داده‌ها و با هدف پاسخ به خلأهای سیاستی در اسناد بالادستی کشور نیز سامان یافته است. در مجموع، این چارچوب نظری، بنیانی مفهومی برای تفسیر یافته‌های مقاله و ساخت چارچوب مفهومی نهایی فراهم کرده و مسیر تحلیل را از سطح داده‌های سیاستی به سطح استنتاج نظری، هدایت کرده است.

۲-۲- پیشینه پژوهش

در مطالعه‌ای با بهره‌گیری از روش تحلیل کتاب‌سنجی، به بررسی روندهای مفهومی و محتوایی حاکم بر ادبیات مسئولیت اجتماعی دانشگاه پرداخته شده است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که طی دهه اخیر،

گفتمان مسئولیت اجتماعی دانشگاه از رویکرد توصیفی و پراکنده به سوی انسجام مفهومی و تمرکز بر مضامینی چون پایداری، عدالت اجتماعی و پاسخ‌گویی نهادی حرکت کرده است. این تحول نه‌تنها بازتابی از فشارهای محیطی و خط‌مشی‌گذاری‌های جدید در آموزش عالی است، بلکه بیانگر نوعی بازتعریف از نقش دانشگاه در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و محیط‌زیستی نیز هست. تحلیل آنان از ساختار دانش موجود، حاکی از آن است که دانشگاه‌ها برای ایفای نقش مؤثر در توسعه پایدار، نیازمند چارچوب‌های نهادینه‌سازی‌شده و منسجم هستند (Fauzi et al., 2024).

در مطالعه‌ای کیفی، از طریق تحلیل داده‌های میدانی و اسناد سازمانی، نحوه تحقق مسئولیت اجتماعی در دو دانشگاه تونسی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با تفکیک مسئولیت دانشگاه‌ها به چهار بعد اصلی (آکادمیک، بشردوستانه، اخلاقی و قانونی) نشان داد که گرچه فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی دانشگاه‌ها از انسجام نسبی برخوردارند، اما ابعاد اخلاقی و قانونی همچنان با چالش‌هایی جدی مواجه‌اند. رویکرد انتقادی این مطالعه نشان می‌دهد که تحقق واقعی مسئولیت اجتماعی دانشگاه، مستلزم عبور از رویکردهای نمادین و حرکت به سوی خط‌مشی‌های نهادینه شده و مشارکتی است که دانشگاه را به کنشگر اجتماعی بدل می‌کند (Ouragini & Ben Hassine Louzir, 2024).

در مطالعه‌ای با استفاده از روش تحلیل پارادایم، به بررسی نقش دانشگاه‌ها در پیشبرد عدالت اقلیمی و مسئولیت اجتماعی آن‌ها پرداخته شده است. این تحقیق با تحلیل مقالات علمی و خط‌مشی‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی در زمینه آموزش عالی، پیشنهاد می‌کند که دانشگاه‌ها باید به‌عنوان بازیگران فعال در گفتمان عدالت اقلیمی عمل کنند. نویسندگان با تحلیل انتقادی و پیشنهاد یک مدل جدید حکمرانی، بر لزوم مشارکت دانشگاه‌ها در خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی و توسعه پایدار تأکید دارند. روش تحقیق آن‌ها به‌طور عمده مبتنی بر تحلیل اسناد و مقالات علمی است که به استخراج روندهای موجود و پیشنهادات آینده‌نگر کمک کرده است (Kinol et al, 2023).

در مطالعه‌ای دیگر، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای مقالات بین‌المللی، به بررسی مسئولیت اجتماعی جهانی دانشگاه‌ها و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی برای جامعه پرداخته شده است. این تحقیق، بر اساس داده‌های حاصل از تحلیل مقالات و اسناد دانشگاهی، نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها باید فراتر از مرزهای ملی عمل کرده و در راستای پروژه‌های جهانی برای ارتقای عدالت اجتماعی و توسعه پایدار همکاری کنند. پژوهشگران همچنین بر ضرورت پیوند دانشگاه‌ها با نیازهای اجتماعی و محلی تأکید کرده و پیشنهاد می‌دهند که مسئولیت اجتماعی باید به‌عنوان یک رویکرد راهبردی در ساختارهای دانشگاهی نهادینه شود (Jones et al, 2021).

در مطالعه‌ای دیگر، با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند ادبیات، به بررسی پیوند میان مسئولیت اجتماعی دانشگاه و توسعه پایدار پرداخته شده است. نویسندگان با تحلیل برخی مقالات علمی یک دهه اخیر، نشان دادند که دانشگاه‌ها در صورتی می‌توانند نقشی مؤثر در تحقق اهداف توسعه ایفا کنند که از رویکردهای

نمادین و داوطلبانه فاصله گرفته و در خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی و ساختارهای نهادی ادغام شوند. این مطالعه بر ضرورت ارتقای مسئولیت اجتماعی به سطح خط‌مشی‌گذاری راهبردی در آموزش عالی تأکید دارد (Acuña-Moraga et al, 2025).

در پژوهشی، با روش تحلیل مفهومی و فراتحلیلی، روند تحول معنایی مسئولیت اجتماعی دانشگاه را بررسی شده و چالش‌های آینده شناسایی شده است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که اگرچه مسئولیت اجتماعی دانشگاه در گذشته بیشتر به‌عنوان فعالیتی داوطلبانه و پراکنده تلقی می‌شد، اما اکنون به یک چارچوب ساختاری برای ارتقای نقش دانشگاه‌ها در عدالت اجتماعی، پایداری و حکمرانی مشارکتی تبدیل شده است. این مقاله بر ضرورت تدوین خط‌مشی‌هایی برای نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در بطن ساختار دانشگاهی تأکید می‌کند (Romero-Argueta & Acuña-Moraga, 2025)

در مطالعه‌ای، با استفاده از ترکیب دو روش تحلیل مضمون کیفی و مدل‌سازی تفسیری–ساختاری، مؤلفه‌های کلیدی مسئولیت اجتماعی دانشگاه استخراج و سطح‌بندی شدند. یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌هایی مانند شفافیت، خط‌مشی‌گذاری علمی و فرهنگ‌سازی نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقاء سرمایه اجتماعی از طریق مسئولیت دانشگاه دارند (Zamandi et al, 2022). در پژوهشی دیگر، با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و تحلیل محتوای اسناد و مصاحبه با خبرگان، به مفهوم‌سازی بومی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که مدل‌های رایج بین‌المللی در این حوزه بدون بومی‌سازی نمی‌توانند پاسخ‌گو به زمینه‌های فرهنگی و ساختاری کشور باشند (Baradaran Haghir et al, 2023).

در پژوهشی با رویکرد تحلیلی–مفهومی، سه الگوی اصلی از مسئولیت اجتماعی دانشگاه شناسایی شده است. دانشگاه درون‌ماندگار، دانشگاه اجتماعی و دانشگاه بوم‌شناختی. نویسندگان استدلال کرده اند که عبور از الگوهای سنتی به‌سوی رویکردهای بومی و جامعه‌محور برای تحقق مسئولیت اجتماعی پایدار ضروری است (Aghajari et al, 2023). در مطالعه‌ای با استفاده از مرور نظام‌مند متون علمی، به بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و نقاط قوت و ضعف مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌های ایران پرداخته شده است. این مطالعه نشان داده است که علی‌رغم اهمیت نظری این موضوع، ساختار اجرایی ضعیف، عدم تخصیص‌منابع‌و نبود خط‌مشی‌گذاری مؤثر، مانع تحقق است (Moradi & Masoumifard, 2023).

در پژوهشی با استفاده از روش فراترکیب، عملکرد دانشگاه‌ها در مقابله با بحران کرونا از منظر مسئولیت اجتماعی تحلیل شده است. نتایج نشان داده است که دانشگاه‌ها، اگرچه در حوزه آموزش آنلاین و اطلاع‌رسانی فعال بوده‌اند، اما در حوزه خط‌مشی‌گذاری اجتماعی و تعامل نهادی با جامعه عملکرد ضعیف‌تری داشته‌اند (Zaker Salehi & Azar, 2022). در مطالعه دیگری از روش کمی و تحلیل همبستگی کانونی برای بررسی رابطه میان فرهنگ دانشگاهی و مسئولیت اجتماعی استفاده کردند. یافته‌ها

حاکی از آن بوده است که مؤلفه‌هایی چون مشارکت‌پذیری، شفافیت و تعاملات بین‌بخشی در فرهنگ دانشگاه، به‌طور مستقیم با سطح مسئولیت اجتماعی مرتبط هستند (Heidarizadeh et al, 2021).

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

با مرور پیشینه پژوهش مشخص می‌شود که مطالعات پیشین عمدتاً به دو رویکرد غالب محدود بوده‌اند: نخست، رویکردهای توصیفی-تجربی که بر مصادیق پراکنده‌ای از فعالیت‌های مسئولیت‌پذیر دانشگاهی تمرکز داشته‌اند (مانند خدمات اجتماعی، فعالیت‌های محیط‌زیستی یا برنامه‌های مشارکتی)، و دوم، رویکردهای تجویزی که مسئولیت اجتماعی را به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارهای مطلوب یا سیاست‌های توصیه‌شده معرفی کرده‌اند، بی‌آنکه سازوکارهای نهادی و سیاستی تحقق آن را به‌روشنی تحلیل کنند.

نوآوری پژوهش حاضر در سه محور قابل‌جمع‌بندی است: نخست، اتخاذ رویکرد تحلیل محتوای کیفی استقرایی است بر مبنای اسناد سیاستی و گزارش‌های رسمی که به‌جای تکیه بر مدل‌های نظری بیرونی که امکان کشف الگوهای بومی و زمینه‌مند را در آینده فراهم می‌سازد. دوم، تمرکز بر بازتعریف مسئولیت اجتماعی دانشگاه است به‌عنوان پارادایمی در حکمرانی آموزش عالی، نه صرفاً مجموعه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی پراکنده. سوم، طراحی چارچوب مفهومی است که از دل داده‌ها و با منطق کدگذاری نظری شکل گرفته و می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌سازی، ارزشیابی سیاستی و اصلاح ساختارهای نهادی دانشگاه‌ها قرار گیرد.

۳- روش تحقیق

پیش از آنکه وارد روش تحقیق شویم، درباره چارچوب مفهومی این پژوهش باید نوشت که برخلاف رویکردهای قیاسی که مبتنی بر نظریه‌های پیشین هستند، از دل داده‌ها و به‌صورت استقرایی استخراج شده است. این چارچوب، محصول فرآیند تحلیلی داده‌محور است که طی آن، پژوهشگر بدون اتکا به الگوهای از پیش‌تعیین‌شده، از طریق تحلیل نظام‌مند اسناد و متون سیاستی، به کشف مفاهیم و روابط مفهومی دست یافته است. روند تحلیل از طریق مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شده و به پژوهشگر امکان داده است تا ساختاری مفهومی را بر مبنای مضامین پنهان در داده‌ها ترسیم کند. در گام نخست، کدهای مفهومی خام از داده‌ها استخراج شد؛ این کدها شامل واژگان، مفاهیم و گزاره‌هایی بودند که به نحوی با نقش اجتماعی دانشگاه در حوزه‌هایی چون محیط‌زیست، عدالت آموزشی، خط‌مشی‌گذاری عمومی و حکمرانی مرتبط بودند. در مرحله دوم، کدهای مشابه در قالب زیرمقوله‌هایی چون آگاهی محیط‌زیستی، تعامل با جامعه محلی، گزارش‌دهی اجتماعی، پایش و ارزیابی عملکرد، و رهبری تحول‌آفرین سازمان‌دهی شدند. در گام نهایی، این زیرمقوله‌ها از طریق انتزاع مفهومی و هم‌ارزسازی تحلیلی، در قالب مقوله‌های کلانی چون «پایداری اجتماعی و محیط‌زیستی»، «جامعه‌پذیری دانشگاه»، «پاسخ‌گویی نهادی و اجتماعی» و «حکمرانی تحول‌خواه» تجلی یافتند. لازم به تأکید است که این مقوله‌ها، محصول خالص

فرآیند تحلیل استقرایی هستند و نه پیش‌فرض پژوهشگر یا چارچوب‌های نظری از پیش موجود. در تحلیل نهایی، این مقوله‌های عالی‌تر به‌طور طبیعی حول مفهوم مرکزی «مسئولیت اجتماعی دانشگاه» هم‌گرا شدند. این هم‌گرایی مفهومی، نشان‌دهنده پیوند درونی مؤلفه‌های استخراج‌شده و ظرفیت آن‌ها برای تبیین نقش دانشگاه‌ها در چارچوب حکمرانی پایداری‌محور است. چارچوب مفهومی حاصل، نه‌تنها برآمده از داده‌هاست، بلکه ابزار مناسبی برای تفسیر یافته‌ها و هدایت بحث نظری فراهم می‌کند.

پژوهش حاضر از منظر هدف و نوع کاربردی است. راهبرد کلی، تحلیل کیفی محتوای مبتنی بر استدلال استقرایی و جهت دار بوده است. مفاهیم مورد نظر و طبقه‌بندی‌ها در بخش یافته‌ها به تفضیل تعریف و شرح داده شده است. این پژوهش از نظر نحوه گردآوری داده‌ها به استناد متون و آثار دانشگاهی معتبر و با نمایه‌های بین‌المللی بوده است. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی استفاده شده است و داده‌ها به‌صورت مرحله‌ای کدگذاری شده اند. این فرایند شامل تدوین مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و کدهای مفهومی یعنی سه مرحله اصلی زیر بوده است که نشان از حرکت از جزء به کل است:

۱- کدگذاری باز: استخراج کلیدواژه‌ها، عبارات کلیدی، مضامین خام و اصطلاحات ابتدایی در گزاره‌های مرتبط با نقش دانشگاه‌ها در توسعه انسانی، کیفیت زندگی و پایداری.

۲- کدگذاری محوری: تجمیع کدهای مشابه در قالب زیرمقوله‌ها بر اساس همگرایی معنایی با توجه به ادبیات نظری و سیاستی.

۳- کدگذاری انتخابی: شکل‌گیری مقوله‌های اصلی بر اساس تلفیق و انتزاعی‌سازی و استناد به الگوهای تحلیلی برای شکل‌دهی ساختاری مفهومی مسئولیت اجتماعی دانشگاه.

جامعه مورد بررسی، شامل مقالات علمی، بیانیه‌های دانشگاهی و اسناد بین‌المللی معتبر درباره مسئولیت اجتماعی دانشگاه در حوزه‌های توسعه انسانی، کیفیت زندگی و پایداری بوده است. معیار انتخاب مقالات و اسناد، اعتبار علمی، تنوع جغرافیایی و عمق مفهومی بوده است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی، به کشف الگوها، مفاهیم و مضامین پنهان در داده‌های متنی پرداخته است، بدون آنکه چارچوب نظری پیشین بر روند تحلیل تحمیل شود. برای ارتقای روایی و اعتبار مفهومی، از راهبردهایی چون تنوع در منابع داده، بررسی تطبیقی با نظریه‌های موجود و مرور انتقادی مفاهیم استفاده شده است. به‌منظور افزایش اعتبار تحلیل‌ها، از بازبینی همتایان[1] بهره گرفته شد. در این راستا، دو پژوهشگر آشنا با موضوع، یافته‌ها و مقولات استخراج‌شده را مرور کرده و درباره انسجام مفهومی و دقت کدگذاری بازخورد ارائه دادند. این بازبینی در شناسایی سوگیری‌های احتمالی و بهبود تفسیرها نقش مؤثری ایفا کرد. همچنین، برای ارتقای شفافیت پژوهش، از ردیابی داده‌ها[2] استفاده شد.

[1]- Peer Review
[2]- Audit Trail

کلیه مراحل تحلیل شامل فرایند کدگذاری، انتخاب و تجمیع مضامین، تصمیمات تحلیلی و یادداشت‌های پژوهشی به‌دقت مستند شدند. این مستندسازی به دیگر پژوهشگران امکان می‌دهد مسیر تحلیل را بازبینی کرده و اعتبار روش‌شناختی پژوهش را ارزیابی کنند. در حالی که نحوه جمع‌آوری داده‌ها، استقرایی بوده است، به منظور طبقه‌بندی بهتر، نحوه ارائه یافته‌ها بر خلاف شیوه استقرایی انجام شده است. به نحوی که بخش یافته‌ها، از کدهای انتخابی آغاز شده و در انتها به کدهای باز رسیده‌ایم تا دسته‌بندی منسجم‌تری (از کل به جزء) هم قابل ارائه شود.

٤- یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، با مرور نظام‌مند اسناد، گزارش‌ها، متون رسمی و مقالات مربوط به دانشگاه‌ها و مسئولیت اجتماعی آن‌ها، مجموعه‌ای از کدهای مفهومی شناسایی شد که پس از دسته‌بندی در قالب زیرمقوله‌ها و مقوله‌های کلی‌تر سازماندهی شدند. حاصل این فرآیند، ۴ مقوله اصلی، ۹ زیرمقوله و ۲۷ کد مفهومی بود که بازتاب‌دهنده ابعاد کلیدی نقش دانشگاه در جامعه از منظر مسئولیت اجتماعی و پایداری هستند. چهار مقوله اصلی شامل موارد زیر بوده است: "پایداری اجتماعی و محیطزیستی[۱]"، "جامعه‌محوری و جامعه‌پذیری دانشگاه[۲]"، "دانشگاه مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گویی اجتماعی[۳]" و "حکمرانی تحول‌خواه[۴]".

٤-١- مقوله اول: پایداری اجتماعی و محیطزیستی

این مقوله، بازتاب‌دهنده آن بخش از مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها است که ناظر بر تداوم زیست‌پذیری، عدالت بین‌نسلی، حفاظت از محیطزیست و تعهد به توسعه پایدار در ابعاد مختلف است. در تحلیل اسناد، دو زیرمقوله اصلی شامل "دانشگاه سبز[۵]" و "آموزش عدالت اجتماعی و آگاهی محیطزیستی[۶]" و کدهای آن‌ها به شرح زیر شناسایی شد. دانشگاه سبز، مفهومی جهانی است که به کاهش ردپای محیطزیستی دانشگاه می‌پردازد. بیش از ۵۰ درصد دانشگاه‌های پیشرو، برنامه‌های محیطزیستی رسمی دارند (Sterling, 2010; Tilbury, 2011; UNEP, 2014). کدهای یافته شده برای زیرمقوله دانشگاه سبز به شرح زیر است: "کمیته محیطزیست دانشگاه[۷]"، "برنامه‌های درسی محیطزیستی[۸]"، "دوره‌های آموزش پایداری برای کارمندان[۹]"، "بهینه‌سازی مصرف منابع طبیعی در فعالیت‌های دانشگاه[۱۰]"، "مدیریت مصرف آب[۱۱]"، "مدیریت مصرف انرژی[۱]"، "راهبرد انرژی تجدیدپذیر[۲]"، "بازیافت

[1]- Social and environmental sustainability
[2]- Community-centeredness and university sociability
[3]- Responsible university and social accountability
[4]- Transformational governance
[5]- Green University" and
[6]- Social Justice and Environmental Awareness Education
[7]- University Environmental Committee
[8]- Environmental Curriculums
[9]- Sustainability Training Courses for Employees
[10]- Optimizing the Use of Natural Resources in University Activities
[11]- Water Consumption Management

"بازیافت منابع[۳]"، "حذف و کاهش مصرف ظروف پلاستیکی[۴]"، "مقررات کاهش کربن[۵]"، "توسعه فضای سبز دانشگاه با درختان بومی مقاوم و کم نیاز به آب[۶]". در ایران، این رویکرد هنوز بیشتر جنبه شعاری دارد و با نیاز به ارزیابی عملکرد واقعی مواجه است.

آموزش عدالت اجتماعی و آگاهی محیطزیستی، بر اساس هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار سازمان ملل[۷] (UNSDG4)، دانشگاه‌ها باید آموزش‌های مبتنی بر توسعه پایدار را در همه رشته‌ها بگنجانند. ضروری است که مهارت‌های تفکر سیستمی، رویکرد بین‌رشته‌ای و مسئولیت‌پذیری درون نسلی و بین‌نسلی در آموزش عالی تعبیه شوند. آگاهی محیطزیستی یکی از عناصر بنیادین تغییر رفتار اجتماعی محسوب می‌شود. دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای مرجع می‌توانند تسهیل‌گر انتقال ارزش‌های پایداری به نسل جوان باشند. همچنین، کنش‌های محیطزیستی مشارکتی نقش مؤثری در ارتقای سرمایه اجتماعی دارند. این نگاه در آموزش عالی، به معنای تغییر خط‌مشی‌های پذیرش، تخصیص منابع و حتی تعریف واحدهای آموزشی جدید است (Kioupi, 2024; Cuenca-Soto et al, 2023; Marcos-Sánchez et al, 2022). کدهای یافته شده برای این زیرمقوله شامل "آموزش اخلاق محیطزیستی و اخلاق بین‌نسلی[۸]"، "برگزاری کارگاه‌ها و کمپین‌های آگاهی‌رسانی محیطزیستی[۹]"، "مشارکت در پروژه‌های محیطزیستی جامعه[۱۰]"، "طراحی درس‌ها با رویکرد عدالت اجتماعی[۱۱]"، "عدالت آموزشی در پذیرش دانشجویان[۱۲]"، "توجه به مناطق محروم در برنامه‌ریزی آموزشی[۱۳]"، "روش آموزگاری انتقادی برای ارتقای عدالت اجتماعی[۱۴]".

در ایران هفته زمین پاک در دانشگاه‌ها، فرصتی برای آموزش مشارکتی دانشجویان در حفاظت از محیطزیست است (معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۴۰۰، ص ۳۵). دانشگاه متعهد باید سازوکاری برای تخصیص منابع آموزشی به مناطق کم‌برخوردار داشته باشد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). طراحی واحدهای درسی با محور عدالت و پایداری از اهداف برنامه درسی بازنگری‌شده است (دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۴۰۲، ص ۱۴). نمونه‌ای از اقدامات نهادی در زمینه پایداری محیطزیستی را می‌توان در دانشگاه فردوسی مشهد مشاهده کرد. این دانشگاه از سال ۱۳۹۸ با

[1]- Energy Consumption Management
[2]- Renewable Energy Strategy
[3]- Resource Recycling
[4]- Eliminating and Reducing the Use of Plastic Containers
[5]- Carbon Reduction Regulations
[6]- Developing University Green Space with Resistant Native Trees with Low Water Needs
[7]- United Nations Sustainable Development Goals
[8]- Teaching environmental ethics and intergenerational ethics
[9]- Holding environmental awareness workshops and campaigns
[10]- Participating in community environmental projects
[11]- Designing lessons with a social justice approach
[12]- Educational justice in student admission
[13]- Paying attention to disadvantaged areas in educational planning
[14]- Critical Pedagogy to Promote Social Justice

تشکیل «کمیته دانشگاه سبز» و انعقاد تفاهم‌نامه‌هایی با شهرداری مشهد، اقدام به اجرای برنامه‌هایی نظیر مدیریت پسماند، کاهش مصرف انرژی، کاشت درختان بومی و آموزش‌های محیط‌زیستی در خوابگاه‌ها کرده است. این اقدامات که در اسناد رسمی دانشگاه نیز مستند شده‌اند، نشان‌دهنده تلاش برای عبور از سطح شعاری به اقدامات اجرایی در راستای دانشگاه پایدار هستند. برگزاری رویدادهای مشترک دانشگاه فردوسی مشهد و شهرداری در حوزه بازیافت از جمله نمونه‌های ارتقای آگاهی عمومی در شهرهای دانشگاهی ایران است (دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰۰، ص ۲۶).

٤-۲- مقوله دوم: جامعه‌محوری و جامعه‌پذیری دانشگاه

خط‌مشی‌گذاری نوین به‌ویژه پس از دهه ۱۹۹۰، به‌سوی مشارکت‌جویی و حکمرانی چندبازیگری میل پیدا کرده است. دانشگاه‌ها در این بستر، به‌عنوان خط‌مشی‌گذار ثانویه[1] تلقی می‌شوند. یعنی نهادهایی که می‌توانند از طریق تحلیل خط‌مشی، طراحی ابزارهای مداخله و تقویت صدای گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده، بر فرآیند خط‌مشی‌گذاری تأثیر بگذارند. پژوهش‌های اخیر نیز نشان داده‌اند که دانشگاه‌هایی که ارتباط ارگانیک با جوامع محلی دارند، در خلق خط‌مشی‌های پایدار، مؤثرتر هستند (UNESCO, 2017; Altbach, 2015; Benneworth et al, 2013). مقوله جامعه‌محوری و جامعه‌پذیری دانشگاه"، به رابطه دانشگاه با جامعه محلی و مسئولیت اجتماعی اشاره دارد. دانشگاه‌هایی که در فرایندهای اجتماعی محلی مشارکت دارند، بیش از سایر دانشگاه‌ها قادر به ارتقاء پایداری و افزایش سرمایه اجتماعی هستند. این موضوع، اهمیت یادگیری پروژه‌محور در افزایش تعامل دانشگاه با جامعه محلی را تاکید می‌کند (Bawa, 2020; Hart & Northmore, 2011; Leal Filho et al, 2019).

جامعه‌محوری و جامعه‌پذیری بر جایگاه دانشگاه به‌عنوان نهاد عمومی تأثیرگذار در جامعه و تاثیرپذیر از آن تأکید دارد. جامعه‌محوری در اسناد تحلیل‌شده به معنای تعامل فعال دانشگاه با مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه محلی است. در تحلیل اسناد در این زمینه، چهار زیرمقوله اصلی شامل "پاسخ‌گویی اجتماعی دانشگاه[2]"، "تعامل با جامعه محلی[3]"، "تقویت سرمایه اجتماعی[4]" و "کنشگری مدنی[5]"، شناسایی شده است. پاسخ‌گویی اجتماعی دانشگاه یعنی پاسخ فعالانه به نیازهای اجتماعی و محیط‌زیستی و کدهای آن شامل چنین کلیدواژه‌هایی است: "پروژه‌های عدالت اجتماعی[6]"، "خدمات مشاوره اجتماعی[7]" "مشارکت در خط‌مشی‌های محلی[8]". تعامل با جامعه محلی یعنی شکل‌گیری پیوندهای پایدار با کنشگران

[1]- Secondary Policymaker
[2]- University Social Accountability
[3]- Interaction with the Local Community
[4]- Strengthening Social Capital
[5]- Civic Activism
[6]- Social justice projects
[7]- Social advisory services
[8]- Participation in local politics

اجتماعی و کدهای آن شامل "قراردادهای همکاری با شهرداری[۱]"، "پروژه‌های توسعه روستایی[۲]" و "شبکه‌سازی با سمن‌ها[۳]" است. تقویت سرمایه اجتماعی به معنی ایفای نقش دانشگاه در بازتولید اعتماد عمومی است و کدهای آن شامل چنین چنین کلیدواژه‌هایی است: "دانشگاه به‌عنوان عامل پیوند فرهنگی[۴]"، "برگزاری مجامع شهروندی[۵]" و "ترویج گفتگوهای بین‌نسلی[۶]". کنشگری مدنی یعنی تقویت مشارکت سیاسی دانشجویان و کدهای آن به این شرح است: "آموزش شهروندی فعال[۷]" و "حمایت از حقوق مدنی[۸]". کنشگری مدنی با مفهوم دانشگاه به‌مثابه عرصه دموکراتیک درآمیخته است.

در ایران نیز برخی نهادهای دانشگاهی، در اسناد خود بر نقش تربیت شهروند فعال و مسئول اجتماعی تأکید دارند. در ایران دانشگاه مسئول باید دانش‌آموخته‌ای تربیت کند که در امور اجتماعی و مدنی مشارکت فعال داشته باشد (بنیاد ملی نخبگان، ۱۴۰۰، ص ۱۷). همچنین تشکل‌های دانشجویی باید فضاهایی برای تمرین کنشگری مدنی باشند (دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۴۰۲، ص ۲۹). در راستای تقویت پیوند میان دانشگاه و جامعه محلی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز از طریق برنامه‌هایی با عنوان «دانشگاه در جامعه»، در مناطق محروم و حاشیه‌نشین شهر تبریز، خدمات رایگان سلامت، آموزش پیشگیری، سلامت روان و بهداشت عمومی ارائه می‌دهد. این ابتکارها که با مشارکت دانشجویان و گروه‌های داوطلب اجرا می‌شود، مصداقی از کنشگری اجتماعی دانشگاه و تعهد به عدالت سلامت در سطح محلی است (Salehi &Amiri, 2022).

٤-۳- مقوله سوم: دانشگاه مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گویی اجتماعی

این مقوله به معنی پاسخ‌گویی نهادی است و به جنبه‌های شفافیت، ارزیابی و گزارش‌دهی عملکرد دانشگاه در زمینه مسئولیت اجتماعی و بازخوردگیری می‌پردازد. پاسخ‌گویی اجتماعی به‌مثابه یکی از عناصر کلیدی حکمرانی دانشگاهی، در ادبیات بین‌المللی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. دانشگاه مسئول را نهادی می‌دانند که سازوکارهایی برای گزارش‌دهی منظم عملکرد اجتماعی ایجاد می‌کند، تا مشروعیت خود را نزد جامعه حفظ کند (Alemohammad, 2025; Aras et al, 2024; García-Aracil et al, 2023; GRI Standards, 2021; AASHE, 2020; Clark & Button, 2011). در تحلیل اسناد، چهار

[1]- Cooperation contracts with the municipality
[2]- Rural development projects
[3]- Networking with NGOs
[4]- The university as an agent of cultural connection
[5]- Organizing citizen assemblies
[6]- Promoting intergenerational dialogue
[7]- Educating active citizenship
[8]- Supporting civil rights

زیرمقوله اصلی شامل "شفاف‌سازی ماموریت اجتماعی[۱]"، "گزارش‌دهی مسئولانه عملکرد اجتماعی[۲]"، "پایش و ارزیابی مستمر[۳]" و "بازخوردگیری از ذینفعان و تعهد به گروه‌های آسیب‌پذیر[۴]" شناسایی شد.

زیرمقوله شفاف‌سازی مأموریت اجتماعی به معنای تبیین روشن و قابل دسترس اهداف و تعهدات اجتماعی دانشگاه برای مخاطبان داخلی و خارجی است. این شفاف‌سازی موجب افزایش آگاهی عمومی و ارتقای پاسخ‌گویی می‌شود و نقش دانشگاه را در توسعه پایدار مشخص‌تر می‌سازد. کدهای شناسایی‌شده برای این زیرمقوله شامل "بیانیه مأموریت اجتماعی در اسناد رسمی[۵]"، "گنجاندن اهداف مسئولیت‌پذیری در راهبردهای دانشگاهی[۶]"، و "ارتباط‌گیری فعال با جامعه برای تبیین مأموریت اجتماعی[۷]" است. زیرمقوله گزارش‌دهی مسئولانه عملکرد اجتماعی یعنی مستندسازی اقدامات و ارائه عمومی آن‌ها برای ارتقای شفافیت و اعتمادسازی اجتماعی. این فرآیند به دانشگاه‌ها کمک می‌کند تا عملکرد خود را به شکل منظم، قابل‌سنجش و مقایسه‌پذیر در اختیار ذی‌نفعان قرار دهند. کدهای آن شامل کلیدواژه‌هایی نظیر "انتشار گزارش‌های پایداری[۸]"، "پلتفرم‌های شفافیت دانشگاهی[۹]"، و "گزارش‌گری به نهادهای ملی[۱۰]" است.

زیرمقوله پایش و ارزیابی مستمر به معنی نظارت ساختاریافته و منظم بر عملکرد دانشگاه در زمینه مسئولیت اجتماعی است. این پایش نه‌تنها به شناسایی نقاط ضعف و قوت کمک می‌کند بلکه زمینه‌ساز بهبود مستمر نیز می‌شود. کلیدواژه‌های این زیرمقوله شامل "شاخص‌های بومی ارزیابی[۱۱]"، "نظام سنجش مشارکتی[۱۲]"، و "ممیزی اجتماعی[۱۳]" است. زیرمقوله بازخوردگیری از ذی‌نفعان و تعهد به گروه‌های آسیب‌پذیر نیز به معنای بهره‌گیری از نظرات و تجارب گروه‌های مختلف برای اصلاح خط‌مشی‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های دانشگاه است، به‌ویژه با تمرکز بر گروه‌هایی که معمولاً کمتر در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت داده می‌شوند. کلیدواژه‌های مرتبط با این زیرمقوله شامل "نظرسنجی از دانشجویان[۱۴]"، "جلسات مشورتی با اعضای هیئت علمی و کارمندان[۱۵]"، و "گفتگوی چندجانبه با جامعه محلی[۱۶]" است.

در ایران نیز برخی نهادهای دانشگاهی، در اسناد خود بر اهمیت این موضوع تأکید داشته اند. به نحوی که اشاره شده است دانشگاه‌ها باید در گزارش عملکرد خود، نه‌تنها شاخص‌های پژوهشی و آموزشی، بلکه ابعاد

---

[1]- Clarifying the social missionPublishing sustainability reports
[2]- Responsible reporting of social performance
[3]- Continuous monitoring and evaluation
[4]- Stakeholder feedback and commitment to vulnerable groups
[5]- Social mission statement in official documents
[6]- Incorporating responsibility goals into university strategies
[7]- Active communication with the community to explain the social mission
[8]- Publishing sustainability reports
[9]- University transparency platforms
[10]- Reporting to national institutions
[11]- Local evaluation indicators
[12]- Participatory measurement system
[13]- Social audit
[14]- Student surveys
[15]- Consultative meetings with faculty and staff
[16]- Multi-stakeholder dialogue with the local community

مسئولیت اجتماعی‌شان را نیز بازتاب دهند (دانشگاه تهران، ۱۴۰۱b، ص ۳۵). به علاوه شفافیت عملکرد در قبال گروه‌های محروم، یکی از شاخص‌های دانشگاه مسئول است (برنامه اقدام توسعه پایدار دانشگاه، ص ۴۲). دانشگاه تهران در چارچوب «برنامه اقدام توسعه پایدار» و «سند راهبردی پایداری» خود، اقدام به تدوین شاخص‌های عملکرد اجتماعی و انتشار گزارش‌های عمومی درباره اقدامات محیط‌زیستی، عدالت آموزشی و مسئولیت اجتماعی کرده است. شفاف‌سازی مأموریت اجتماعی دانشگاه و طراحی پلتفرم گزارش‌دهی عملکرد، گامی در جهت نهادینه‌سازی پاسخ‌گویی نهادی و تقویت اعتماد اجتماعی محسوب می‌شود (دانشگاه تهران، ۱۴۰۱a).

٤-٤- مقوله چهارم: حکمرانی تحول‌خواه

مفهوم «حکمرانی تحول‌خواه در اسناد مورد تحلیل به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین و راهبردی در حکمرانی آموزش عالی شناسایی شده است که نقش کلیدی در جهت‌دهی دانشگاه به‌سوی پایداری ایفا می‌کند. این نوع حکمرانی بر بازاندیشی ساختارهای تصمیم‌گیری، ایجاد سازوکارهای یادگیرنده، تقویت رهبری تحول‌آفرین و انسجام‌بخشی به مأموریت‌ها و راهبردهای اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی دانشگاه‌ها متمرکز است(Saeed & Khan, 2024; UNESCO, 2021; Sterling, 2010).. برخلاف حکمرانی سنتی که مبتنی بر سلسله‌مراتب، تمرکزگرایی و کنترل است، حکمرانی تحول‌خواه بر شراکت، یادگیری، خلاقیت و انعطاف‌پذیری تأکید دارد و دانشگاه را نهادی پویا و یادگیرنده می‌بیند که به‌صورت فعال در حل مسائل پیچیده جامعه مشارکت دارد (Škokić et al., 2025; Nguyen & Le, 2024; Ritchie, 2023). در مجموع، حکمرانی تحول‌خواه مدلی پیشرو در حکمرانی دانشگاهی محسوب می‌شود که با رویکردی میان‌رشته‌ای و مبتنی بر یادگیری، دانشگاه را به کنشگری فعال در مسیر توسعه پایدار تبدیل می‌کند. چنین رویکردی مستلزم تعهد رهبران دانشگاه، ساختارهای مشارکتی و انعطاف‌پذیری نهادی است تا دانشگاه بتواند به‌عنوان یک نهاد تغییرآفرین، پاسخ‌گوی نیازهای پیچیده جامعه معاصر باشد. در تحلیل اسناد، سه زیرمقوله اصلی برای این مقوله شناسایی شد که به‌صورت هم‌افزا در شکل‌دهی به حکمرانی تحول‌خواه ایفای نقش می‌کنند و چنین هستند: "حکمرانی پایداری‌محور[۱]"، "رهبری تحول‌آفرین[۲]" و "خط‌مشی‌گذاری یادگیرنده[۳]".

حکمرانی پایداری محور، ناظر بر ایجاد ساختارهای تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری است که با اهداف توسعه پایدار هماهنگ باشد. دانشگاه‌ها در این چارچوب، با تشکیل کمیته‌های تخصصی پایداری، تدوین برنامه‌های جامع توسعه پایدار و گنجاندن اصول محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی در خط‌مشی‌ها و فرآیندهای اجرایی، تلاش می‌کنند عملکرد خود را با الزامات جهانی همسو کنند. کلیدواژه‌های این بخش

---

[۱]- Sustainability-oriented Governance

[۲]- Transformational Leadership

[۳]- Learning-based Policymaking

شامل "کمیته خط‌مشی‌گذاری پایداری[۱]"، "راهبرد توسعه پایدار[۲]" و "نهادینه‌سازی خط‌مشی سبز[۳]" است که همگی بر تعهد نهادی به پایداری دلالت دارند.

رهبری تحول‌آفرین بر نقش رهبران دانشگاهی در ایجاد تغییرات ساختاری و فرهنگی تأکید دارد. رهبران تحول‌آفرین با توانمندسازی اعضای هیئت علمی، ارتقای انگیزش در بدنه سازمانی و تسهیل فرآیندهای مشارکتی، زمینه‌ساز تحول پایدار در جهت ارزش‌های اجتماعی و محیط‌زیستی می‌شوند. آن‌ها چشم‌انداز روشنی از دانشگاه پایدار ارائه داده و فرهنگ سازمانی موجود را به سمت نوآوری، مسئولیت‌پذیری و همکاری هدایت می‌کنند. کدهای این بعد شامل "تغییر فرهنگ سازمانی[۴]"، "ایجاد انگیزش در اعضای هیئت علمی[۵]" و "تعهد مدیریتی[۶]" است.

خط‌مشی‌گذاری یادگیرنده به این دلیل اهمیت دارد که حکمرانی تحول‌خواه به‌شدت با رویکرد یادگیرنده گره خورده است. دانشگاه‌ها باید بتوانند از تجارب خود و سایر دانشگاه‌ها درس بگیرند، بازخوردهای ذی‌نفعان را در خط‌مشی‌گذاری لحاظ کنند و از طریق مستندسازی و تحلیل مداوم، خط‌مشی‌هایی منعطف و تطبیق‌پذیر طراحی نمایند. یادگیری سازمانی نه‌تنها به تصمیم‌گیری هوشمندانه کمک می‌کند بلکه باعث ارتقای ظرفیت تطبیق‌پذیری نهاد آموزش عالی در مواجهه با چالش‌های پیچیده معاصر می‌شود. کلیدواژه‌های مرتبط با این بعد شامل "بازخوردگیری نهادی[۷]"، "یادگیری از تجربه‌های دانشگاه‌های جهانی[۸]" و "مستندسازی تجارب[۹]" است.

بیانیه نخبگان کشور ایران به مناسبت سالروز صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» از جمله اسنادی است که به‌صراحت به ضرورت تحول در نظام حکمرانی، به‌ویژه در حوزه علم، آموزش عالی و دانشگاه‌ها، اشاره دارد. در این بیانیه، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به‌عنوان بازیگران کلیدی در طراحی «نظام حکمرانی تحول‌خواه» معرفی شده‌اند که باید با اتکا به ظرفیت‌های دانشی، نقش فعالی در تدوین شاخص‌های پایش پیشرفت کشور و خط‌مشی‌گذاری‌های کلان داشته باشند. در این چارچوب، حکمرانی تحول‌خواه دانشگاهی به مثابه سازوکار راهبری نوینی مطرح می‌شود که نه‌فقط مبتنی بر مدیریت سنتی، بلکه بر پایه ظرفیت‌سازی اجتماعی، مشارکت نخبگان و پاسخ‌گویی نهادی شکل می‌گیرد. همچنین در متن بیانیه، بر ضرورت

۱- Sustainability Policy Committee

۲- Sustainable Development

۳- Strategy Institutionalization of Green Policy

۴- Changing Organizational Culture

۵- Motivating Faculty Members

۶- Management Commitment

۷- Institutional Feedback

۸- Learning from the Experiences of Global Universities

۹- Documenting Experiences

بازآرایی نهادی دانشگاه‌ها و پیوند آنان با نیازهای واقعی جامعه تأکید شده است (مرکز هماهنگی و پشتیبانی نخبگان کشور، ۱۴۰۲). در سطح تحول نهادی، دانشگاه علامه طباطبایی طی بازنگری برنامه‌های درسی خود، اقدام به گنجاندن دروس جدیدی با محورهای «عدالت اجتماعی»، «خط‌مشی‌گذاری اجتماعی» و «مسئولیت اجتماعی حرفه‌ای» در رشته‌های علوم انسانی کرده است. این اقدام نه‌تنها بازتابی از بازآرایی مأموریت دانشگاه بر مبنای حکمرانی تحول‌خواه است، بلکه نشان‌دهنده تلاش برای تربیت شهروندان آگاه و مسئول در راستای توسعه پایدار است (دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۴۰۱). در جدول ۱، مقوله‌های اصلی، زیر مقوله‌ها و کلیدواژه‌ها برای بازنمایی مسئولیت اجتماعی دانشگاه تجمیع شده است.

جدول ۱- تجمیع ابعاد کلان و جزییات بازنمایی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در اسناد سیاستی

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	کدها (کلیدواژه‌ها)
پایداری اجتماعی و محیط‌زیستی	دانشگاه سبز	کمیته محیط‌زیست دانشگاه برنامه‌های درسی محیط‌زیستی دوره‌های آموزش پایداری برای کارمندان بهینه‌سازی مصرف منابع طبیعی در فعالیت‌های دانشگاه مدیریت مصرف آب مدیریت مصرف انرژی راهبرد انرژی تجدیدپذیر بازیافت منابع حذف و کاهش مصرف ظروف پلاستیکی مقررات کاهش کربن توسعه فضای سبز دانشگاه با درختان بومی مقاوم و کم نیاز به آب
	آموزش عدالت اجتماعی و آگاهی محیط‌زیستی	آموزش اخلاق محیط‌زیستی و اخلاق بین‌نسلی برگزاری کارگاه‌ها و کمپین‌های آگاهی‌رسانی محیط‌زیستی مشارکت در پروژه‌های محیط‌زیستی جامعه طراحی درس‌ها با رویکرد عدالت اجتماعی عدالت آموزشی در پذیرش دانشجویان توجه به مناطق محروم در برنامه‌ریزی آموزشی روش آموزگاری انتقادی برای ارتقای عدالت اجتماعی
جامعه‌محوری وجامعه‌پذیری دانشگاه	پاسخ‌گویی اجتماعی دانشگاه	پروژه‌های عدالت اجتماعی خدمات مشاوره اجتماعی مشارکت در خط‌مشی‌های محلی
	تعامل	قراردادهای همکاری با شهرداری

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	کدها (کلیدواژه‌ها)
	با جامعه محلی	پروژه‌های توسعه روستایی شبکه‌سازی با سمن‌ها
	تقویت سرمایه اجتماعی	دانشگاه به‌عنوان عامل پیوند فرهنگی برگزاری مجامع شهروندی ترویج گفتگوهای بین‌نسلی
	کنشگری مدنی	آموزش شهروندی فعال حمایت از حقوق مدنی
دانشگاه مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گویی اجتماعی	شفاف‌سازی ماموریت اجتماعی	بیانیه مأموریت اجتماعی در اسناد رسمی گنجاندن اهداف مسئولیت‌پذیری در راهبردهای دانشگاهی ارتباط‌گیری فعال با جامعه برای تبیین مأموریت اجتماعی
	گزارش‌دهی مسئولانه عملکرد اجتماعی	انتشار گزارش‌های پایداری پلتفرم‌های شفافیت دانشگاهی گزارش‌گری به نهادهای ملی
	پایش و ارزیابی مستمر	شاخص‌های بومی ارزیابی نظام سنجش مشارکتی ممیزی اجتماعی
	بازخوردگیری از ذینفعان و تعهد به گروه‌های آسیب‌پذیر	نظرسنجی از دانشجویان جلسات مشورتی با اعضای هیئت علمی و کارمندان گفتگوی چندجانبه با جامعه محلی
حکمرانی تحول‌خواه	حکمرانی پایداری‌محور	کمیته خط‌مشی‌گذاری پایداری راهبرد توسعه پایدار نهادینه‌سازی خط‌مشی سبز
	رهبری تحول‌آفرین	تغییر فرهنگ سازمانی ایجاد انگیزش در اعضای هیئت علمی تعهد مدیریتی
	خط‌مشی‌گذاری یادگیرنده	بازخوردگیری نهادی یادگیری از تجربه‌های دانشگاه‌های جهانی مستندسازی تجارب

۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

چهار مقوله استخراج‌شده (پایداری اجتماعی و محیط‌زیستی، جامعه‌پذیری و جامعه‌محوری دانشگاه، دانشگاه مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گویی اجتماعی و حکمرانی تحول‌خواه) تصویری کلی از ابعاد گوناگون مسئولیت اجتماعی دانشگاه را در راستای اهداف توسعه پایدار و حکمرانی پایداری‌محور ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان

می‌دهند که دانشگاه‌ها در حال عبور از نقش‌های سنتی آموزش و پژوهش به سمت ایفای نقش‌های چندگانه در قبال جامعه، محیط‌زیست و نظام‌های حکمرانی هستند. تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در پیوندی مستقیم با مفاهیم پایداری، حکمرانی تحول‌خواه و ارتباط فعال با جامعه تعریف می‌شود. یافته‌ها چهار بعد اصلی را برجسته ساختند: «رویکردهای دانشگاه به پایداری»، «الگوهای تعامل دانشگاه و جامعه»، «جهت‌گیری‌های راهبردی مسئولیت اجتماعی»، و «حکمرانی تحول‌خواه». دانشگاه‌ها عمدتاً در اسناد چشم‌انداز و راهبردی خود اشاره‌هایی کلی به پایداری دارند، اما ساختارهای اجرایی و ارزیابی مؤثری برای آن طراحی نکرده‌اند. این وضعیت منطبق است با نقدهایی که معتقد است در دانشگاه‌ها، پایداری در سطح گفتمانی حضور دارد اما به اقدام نهادی نمی‌انجامد.

شکاف میان «گفتمان» و «عمل» در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه، یکی از چالش‌های اصلی خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی است. اگرچه از منظر نظریه دانشگاه سوم، دانشگاه نه فقط نهادی آموزشی و پژوهشی، بلکه یک کنشگر اجتماعی است که مسئولیت دارد در توسعه منطقه‌ای، عدالت اجتماعی و پایداری محیطی نقش‌آفرینی کند. اگرچه برخی دانشگاه‌ها، الگوهایی طراحی کرده‌اند که فعالیت‌های آکادمیک و اجتماعی را به یکدیگر پیوند می‌دهند و از طریق «شبکه‌های مشارکتی» به حل مسائل منطقه‌ای کمک کنند (Ouragini & Ben Hassine Louzir, 2024; Adel et al, 2021; Ramos et al, 2015; Lozano et al., 2015) اما دانشگاه‌ها در مواجهه با مسائل اجتماعی (از جمله عدالت آموزشی، مشارکت محلی، و فقرزدایی) موضعی منفعل دارند و اغلب در اسناد خود صرفاً بر مفاهیم کلی‌گویی‌هایی چون "خدمت به جامعه" بسنده می‌کنند.

اسنادی همچون منشور آموزش عالی برای توسعه پایدار یونسکو و دستور کار ۲۰۳۰ حاکی از لزوم بازطراحی خط‌مشی‌های دانشگاهی بر مبنای اهداف توسعه پایدار هستند. یعنی بر این باورند که تحقق آموزش برای توسعه پایدار نیازمند بازنگری در جهت‌گیری‌های نهادی و ادغام ارزش‌های پایداری در سطوح خط‌مشی‌گذاری است. به عبارت ساده، دانشگاه‌ها زمانی می‌توانند مسئولیت اجتماعی خود را مؤثر ایفا کنند که مسئولیت‌پذیری در سطح راهبردی نهادینه شود، اما در اغلب نمونه‌ها، سازوکارهای نهادینه و ارزیابی‌پذیر در این زمینه در دانشگاه‌ها به ندرت مشاهده می‌شود (Alfathy et al, 2024; Hashim et al, 2023; Kioupi & Voulvoulis, 2020; UNESCO, 2009).

خاصترین مفهوم کلیدی برآمده از تحلیل‌ها، "حکمرانی تحول‌خواه" است. این مفهوم اشاره دارد به لزوم عبور از الگوهای بوروکراتیک مدیریت دانشگاهی به سمت ساختارهایی منعطف، مشارکت‌محور و آینده‌نگر. این تحلیل مبتنی بر مباحثی است که در ادبیات حکمرانی تطبیقی مطرح شده‌اند. مسئولیت اجتماعی دانشگاه صرفاً یک کنش بیرونی نیست، بلکه مستلزم یادگیری درونی و بازاندیشی در مأموریت‌های دانشگاه است. این رویکرد در نظریه یادگیری تحول‌گرای و همچنین در ادبیات پایداری نهادی مورد تأکید

قرار گرفته است. یعنی دانشگاه‌هایی که توانسته‌اند «فرهنگ سازمانی» خود را با ارزش‌های پایداری همسو کنند، بیش از سایرین موفق به نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی شده‌اند. در اسناد مورد بررسی، گرایش به تمرکزگرایی و کم‌توجهی به اقتضائات محلی، مانع تحقق مسئولیت اجتماعی و پایداری است. در حالی که خط‌مشی‌نامه‌های بین‌المللی تأکید دارند که دانشگاه‌ها باید نظام حکمرانی خود را بازطراحی کنند تا مشارکت اعضای هیئت علمی، دانشجویان، جامعه مدنی و نهادهای منطقه‌ای در تصمیم‌سازی‌ها امکان‌پذیر شود. در این مسیر، توسعه ظرفیت‌های سازمانی، ایجاد نظام‌های پاداش و ارزیابی مبتنی بر پایداری و تربیت رهبران تحول‌خواه نقش کلیدی دارند. در غیر این صورت، مسئولیت اجتماعی به برندسازی صرف و پایداری نمادین فروکاسته خواهد شد.

مسئولیت اجتماعی در اسناد آموزش عالی کشور، بیشتر به‌صورت شعار یا توصیه‌های کلی بازنمایی شده است. اما همین وضعیت، نقطه تمایز تحلیل ما با بسیاری از مطالعات نظری پیشین است که یا وضعیت ایران را نادیده گرفته‌اند یا آن را در قالب مدل‌های خارجی تفسیر کرده‌اند. از این نظر، پژوهش حاضر تلاش کرد شکاف میان مفاهیم نظری (مانند پایداری، پاسخ‌گویی و حکمرانی مشارکتی) و موقعیت عملی در خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی کشور را برجسته کند. همچنین مشخص شد که برخلاف برخی برداشت‌ها از مسئولیت اجتماعی به‌عنوان «کار داوطلبانه»، در بافت سیاستی کشور پتانسیل‌هایی برای نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی وجود دارد، مشروط به آن‌که بتواند از سطح بیانیه‌های آرمانی به سمت چارچوب‌های اجرایی و پایش‌پذیر حرکت کند. بحث نظری مقاله بر این نکته تأکید دارد که ترجمه مفاهیم بین‌المللی به خط‌مشی‌گذاری ملی، نیازمند واسطه‌های گفتمانی، نهادی و فرهنگی است که در بسیاری از اسناد داخلی هنوز شکل نگرفته‌اند.

۵-۲- نتیجه گیری

این پژوهش با هدف ارائه چارچوبی برای فهم عمیق‌تر مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در بستر خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی کشور انجام شد. برخلاف نگاه‌های کلیشه‌ای که این مفهوم را یا صرفاً اخلاقی می‌دانند یا کاملاً ساختاری، تحلیل ما نشان داد که مسئولیت اجتماعی را می‌توان در دل اسناد رسمی، در قالب مفاهیم چهارگانه «پایداری»، «پاسخ‌گویی»، «جامعه‌محوری» و «حکمرانی تحول‌خواه» ردیابی کرد. اهمیت این چارچوب نه در جنبه نظری آن، بلکه در امکان استفاده‌اش در بازنگری اسناد موجود و طراحی سیاست‌هایی است که دانشگاه‌ها را از نهادهای منفعل به کنشگران اجتماعی و راهبردی بدل کنند. این چارچوب می‌تواند پایه‌ای برای گفت‌وگوهای سیاستی میان دانشگاه، دولت و جامعه باشد و مسیر نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی را با توجه به اقتضائات بومی، هموارتر کند. می‌توان گفت، این پژوهش با تلفیق چارچوب نظری پایداری و مسئولیت اجتماعی و به‌کارگیری رویکرد استقرایی در تحلیل اسناد سیاستی، گامی نوین در بازخوانی نقش دانشگاه‌ها در حکمرانی اجتماعی برداشته است. در حالی که بسیاری از مطالعات پیشین به تبیین نظری یا بررسی موردی یک دانشگاه خاص محدود بوده‌اند، این تحقیق با

تمرکز بر اسناد سیاستی، تصویری ساختاری و کل‌نگر از تحولات گفتمانی در حوزه مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها ارائه داده است. یکی از نوآوری‌های اصلی این پژوهش، استخراج مقوله‌های جدیدی مانند «حکمرانی تحول‌خواه» و «پایداری نهادی–اجتماعی» است که کمتر در ادبیات داخلی مورد توجه قرار گرفته‌اند و می‌توانند پایه‌گذار تحقیقات تطبیقی یا میدانی آینده باشند.

با وجود تلاش پژوهشگران برای بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی با دقت بالا، این مطالعه با برخی محدودیت‌های ذاتی همراه بوده است. نخست، اتکای پژوهش به اسناد منتشرشده رسمی، موجب شد برخی از ابعاد پنهان یا عملیاتی مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها، به‌ویژه تجربه‌های زیسته کنشگران دانشگاهی، کمتر در تحلیل نمایان شود. همچنین، تمرکز بر تحلیل محتوای اسناد مکتوب، امکان بهره‌گیری از داده‌های میدانی، همچون مصاحبه با ذی‌نفعان کلیدی دانشگاه و جامعه محلی را کاهش داد که می‌تواند در تحقیقات آتی جبران شود. علاوه بر این، ساختار متکثر و متنوع دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف ایجاب می‌کند یافته‌ها با احتیاط نسبت به زمینه‌های جغرافیایی یا فرهنگی تعمیم یابند.

۵-۳- پیشنهادها

پیشنهادهای این پژوهش برای نهادینه‌سازی نقش دانشگاه در توسعه پایدار به شرح زیر است:

۱) ایجاد نهادهای مشارکتی: نهادهای مشارکتی مانند شوراهای خط‌مشی‌گذاری با حضور نمایندگان جامعه مدنی، نهادهای محلی، بخش خصوصی و دانشجویان در سطح دانشگاه باید ایجاد شوند تا در تدوین مأموریت، برنامه‌های آموزشی و تخصیص منابع نقش‌آفرینی کنند. این شوراها می‌توانند به تضامن میان ذی‌نفعان مختلف و افزایش مشارکت عمومی در فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک کنند.

۲) تدوین نقشه‌راه نهادی: یک نقشه‌راه مؤسسه‌ای با شاخص‌های سنجش‌پذیر لازم است طراحی شود تا ارتباط پایدار میان دانشگاه و حوزه‌هایی مانند محیط‌زیست، عدالت اجتماعی و اقتصاد بومی را برقرار سازد. این نقشه‌راه می‌تواند شامل اهداف کلیدی و معیارهای ارزیابی عملکرد در این زمینه باشد.

۳) بازطراحی برنامه‌های آموزشی: بازطراحی برنامه‌های درسی با محوریت حل مسائل واقعی نیز ضروری است. این امر می‌تواند از طریق دوره‌ها و پروژه‌های میان‌رشته‌ای درباره بحران آب، تاب‌آوری شهری و خط‌مشی‌های اقلیمی تحقق یابد. هدف از این بازطراحی، ارتقای آگاهی دانشجویان و آماده‌سازی آنها برای مواجهه با چالش‌های محیطی است.

٤) طراحی سامانه‌ای شفاف: طراحی یک سامانه شفاف برای گزارش عمومی عملکرد دانشگاه در حوزه پایداری و مسئولیت اجتماعی می‌تواند به ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی کمک کند. این سامانه باید اطلاعات دقیقی درباره اقدامات و دستاوردهای دانشگاه در زمینه پایداری ارائه دهد.

۵) تعریف نقش رسمی دانشگاه: دانشگاه باید به‌عنوان مشاور علمی در ساختار حکمرانی محلی و منطقه‌ای نقش رسمی خود را تعریف کند. این اقدام می‌تواند به دانشگاه کمک کند تا به عنوان یک مرجع

علمی در فرآیندهای تصمیم‌گیری حضور داشته باشد و از ظرفیت‌های علمی خود در زمینه‌های مختلف بهره‌برداری کند.

در نهایت، اجرای این پیشنهادها مستلزم مسئولیت‌پذیری در سطح مدیریتی، تخصیص منابع کافی و ایجاد فرهنگ سازمانی پایداری‌محور در درون دانشگاه است که می‌تواند به ارتقای نقش دانشگاه‌ها در تحقق توسعه پایدار کمک کند.

منابع و ماخذ:

۱- بنیاد ملی نخبگان. (۱۴۰۰). گزارش تحلیلی نقش دانشگاه‌ها در تربیت شهروند مسئول و نخبه اجتماعی. تهران: مرکز رصد و سیاست‌پژوهی.

۲- دانشگاه تهران. (۱۴۰۱a). برنامه اقدام توسعه پایدار دانشگاه تهران. تهران: معاونت توسعه پایدار و زیست‌بوم دانشگاه، دفتر سیاست‌گذاری کلان دانشگاه تهران.

۳- دانشگاه تهران. (۱۴۰۱b). سند راهبردی دانشگاه تهران با تأکید بر پایداری و مسئولیت اجتماعی. تهران: دفتر برنامه‌ریزی کلان دانشگاه.

۴- دانشگاه علامه طباطبایی. (۱۴۰۲). برنامه توسعه فرهنگی دانشگاه (ویرایش دوم). تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

۵- دانشگاه علامه طباطبایی. (۱۴۰۱). گزارش بازنگری برنامه‌های درسی با رویکرد مسئولیت اجتماعی. تهران: معاونت آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی.

۶- دانشگاه فردوسی مشهد. (۱۴۰۰). برنامه پایداری شهر و دانشگاه. مشهد: معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فردوسی مشهد.

۷- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند راهبردی عدالت آموزشی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۸- مرکز هماهنگی و پشتیبانی نخبگان کشور. (۱۴۰۲). بیانیه نخبگان کشور به مناسبت سالروز صدور بیانیه گام دوم انقلاب.

۹- معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۴۰۰). گزارش عملکرد هفته زمین پاک در دانشگاه‌های کشور. تهران: دفتر سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی.

References

1. Acuña-Moraga, F., Araya-Castillo, L., & Muñoz-Pascual, L. (2025). University social responsibility and sustainable development: A systematic review. Interciencia, 50(1), 47–54.
2. Adel, H. M., Zeinhom, G. A., & Younis, R. A. A. (2021). From university social-responsibility to social-innovation strategy for quality accreditation and sustainable competitive advantage during COVID-19 pandemic. Journal of Humanities and Applied Social Sciences, 4(5), 410–437. https://doi.org/10.1108/JHASS-04-2021-0086
3. Aghajari, R., Kazemi, A., Mahoozi, R., & Kalahi, M. (2023). Deconstructing the forms of university social responsibility and moving beyond them. Journal of Interdisciplinary Cultural Research, 11(1), 67–90. [In Persian]
4. Alemohammad, S. (2025). Proposing a Conceptual Framework for Assessing the Performance of Universities' Social Responsibility with an Emphasis on Stakeholder Orientation and Sustainability. *Social Business*, *2*(1), 204-218. doi: 10.22059/jsbu.2025.393653.1017
5. Alfathy, R. M., Saputro, S., Sarwanto, & Ramli, M. (2024). Implementation of sustainable development goals in higher education modalities: Literature review. Journal of Turkish Science Education, 21(1), 1–15. https://doi.org/10.36681/tused.2024.002
6. Aras, G., Kutlu Furtuna, O., & Hacioglu Kazak, E. (2024). Enhancing accountability through integrated reporting in public higher education institutions: International evidence. Public Money & Management. Advance online publication. https://doi.org/10.1080/09540962.2024.2432453
7. Association for the Advancement of Sustainability in Higher Education (AASHE). (2020). STARS Technical Manual: Version 2.2. Association for the Advancement of Sustainability in Higher Education. Retrieved from https://stars.aashe.org/resources
8. Baradaran Haghir, M., Nourshahi, N., & Roshan, A. (2023). Conceptualizing university social responsibility in Iran. Journal of Research and Planning in Higher Education, 29(3), 23–44. [In Persian]
9. Bawa, A. (2020). Universities and social responsibility: Key concepts and strategies. South African Journal of Higher Education, 34(5), 1–12.
10. Benneworth, P., Pinheiro, R., & Karlsen, J. (2013). One place, multiple narratives: Regional engagement and the knowledge bases of universities. European Planning Studies, 21(9), 1441–1457..

11. Clark, C., & Button, C. (2011). Sustainability transdisciplinary education model: Interface of arts, science, and community. International Journal of Sustainability in Higher Education, 12(1), 41–54.
12. Cuenca-Soto, N., Martínez-Muñoz, L. F., Chiva-Bartoll, O., & Santos-Pastor, M. L. (2023). Environmental sustainability and social justice in Higher Education: A critical ecofeminist service-learning approach in sports sciences. ResearchGate. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/372236096
13. Delanty, G. (2001). Challenging Knowledge: The University in the Knowledge Society. Open University Press.
14. Fauzi, M. A., Abdul Wahab, N., Ahmad, M. H., & Abidin, I. (2024). University social responsibility: the present and future trends based on bibliometric analysis. Journal of Applied Research in Higher Education, 16(3), 948–965. https://doi.org/10.1108/JARHE-03-2023-0110
15. García-Aracil, A., Isusi-Fagoaga, R., Monteiro, S., & Almeida, L. (2023). Social commitment at higher education institutions: Analysis of their strategic plans. Education Sciences, 13(12), 1185. https://doi.org/10.3390/educsci13121185
16. Goddard, J., Coombes, M., Kempton, L., & Vallance, P. (2016). Universities and the Knowledge Economy: Places, Policies and Regional Engagement. Routledge.
17. GRI Standards (2021). Global Reporting Initiative Standards.
18. Hart, A., & Northmore, S. (2011). Auditing community engagement: The role of public policy. International Journal of Public Sector Management, 24(1), 45–57.
19. Hashim, M. M., Hamzah, N., Baharom, S., & Aziz, F. A. (2023). Towards more sustainable higher education institutions: Implementing the sustainable development goals and embedding sustainability into the information and computer technology curricula. Education and Information Technologies, 28, 1–25. https://doi.org/10.1007/s10639-023-12025-8
20. Heidarizadeh, Z., Hasani, M., & Mohajeran, B. (2021). Canonical correlation analysis between academic culture and social responsibility in higher education (Case study: Shahid Beheshti University). Journal of Culture in Islamic University, 11(2), 41–60. [In Persian]
21. Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. Qualitative Health Research, 15(9), 1277–1288.

22. Hunt, J., & Eisenberg, D. (2010). Mental health problems and help-seeking behavior among college students. Journal of Adolescent Health, 46(1), 3–10. https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2009.08.008
23. Jones, E., Leask, B., Brandenburg, U., & de Wit, H. (2021). Global social responsibility and the internationalisation of higher education for society. Journal of Studies in International Education, 25(4), 330–347. https://doi.org/10.1177/10283153211031679
24. Kinol, A., Miller, E., Axtell, H., et al. (2023). Climate justice in higher education: A proposed paradigm shifts towards a transformative role for colleges and universities. Climatic Change, 176(15). https://doi.org/10.1007/s10584-023-03486-4
25. Kioupi, V. (2024). Moving from linear to systemic thinking about sustainability competences in higher education. Emerald Publishing. Retrieved from https://www.emeraldgrouppublishing.com/opinion-and-blog/moving-linear-systemic-thinking-about-sustainability-competences-higher-education
26. Kioupi, V., & Voulvoulis, N. (2020). Education for sustainable development: A systemic framework for connecting the SDGs to educational outcomes. Sustainability, 12(6), 2193. https://doi.org/10.3390/su12062193
27. Leal Filho, W., Shiel, C., & Paço, A. (2019). Implementing and operationalising integrative approaches to sustainability in higher education: The role of project-oriented learning. Journal of Cleaner Production, 233, 1004–1014. https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.06.190
28. Lozano, R., et al. (2015). A review of commitment and implementation of sustainable development in higher education: Results from a worldwide survey. Journal of Cleaner Production, 108, 1–18.
29. Marcos-Sánchez, R., Ferrández, D., & Morón, C. (2022). Systems Thinking for Sustainability Education in Building and Business Administration and Management Degrees. Sustainability, 14(19), 11812. https://doi.org/10.3390/su141911812
30. Marginson, S. (2007). Global university rankings: Implications for higher education in East Asia. International Higher Education, 49, 8–10.
31. McIlrath, L., & Labhrainn, I. M. (2007). Higher education and civic engagement: International perspectives. Ashgate.
32. Moradi, K., & Masoumifard, M. (2023). Study of instances, challenges, opportunities, strengths and weaknesses of social responsibility in Iranian

universities. Proceedings of the National Conference on Social Responsibility in Higher Education, Tehran, Iran. [In Persian]
33. Nguyen, T. H., & Le, P. Q. (2024). Transformational leadership for sustainable productivity in higher education institutions. Higher Education Policy, 37(1), 89–105. https://doi.org/10.1057/s41307-023-00298-7
34. Nussbaum, M. (2011). Creating Capabilities: The Human Development Approach. Harvard University Press.
35. Ouragini, I., & Ben Hassine Louzir, A. (2024). University social responsibility and sustainable development: Illustration of adapted practices by two Tunisian Universities. Social Responsibility Journal, 20(6), 1177–1192. https://doi.org/10.1108/SRJ-08-2023-0459
36. Ouragini, I., & Ben Hassine Louzir, A. (2024). University social responsibility and sustainable development: Illustration of adapted practices by two Tunisian Universities. Social Responsibility Journal, 20(6), 1177–1192. https://doi.org/10.1108/SRJ-08-2023-0459
37. Ramos, T. B., et al. (2015). Sustainability assessment: Exploring the frontiers and paradigms of indicator approaches. Sustainability, 7(3), 2015–2035.
38. Ritchie, J. L. (2023). Advancing sustainability leadership by shifting relational 'agreement structures': A transformational higher education change program. Environmental Education Research, 29(4), 567–584. https://doi.org/10.1080/13504622.2023.2190385
39. Romero-Argueta, A., & Acuña-Moraga, F. (2025). University social responsibility: A review of conceptual evolution and future challenges. Journal of Cleaner Production, 395, 136–145. https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2024.139821
40. Sachs, J. D. (2015). The age of sustainable development. Columbia University Press.
41. Saeed, S., & Khan, M. A. (2024). Transforming higher-education institutes: Impact of change management on sustainable performance through transformational leadership and knowledge management. International Journal of Sustainability in Higher Education, 25(3), 456–472. https://doi.org/10.1108/IJSHE-11-2023-0456
42. Salehi, M., & Amiri, R. (2022). Social Accountability in Iranian Medical Universities: Experiences from Community-Based Health Programs. Journal of Medical Education Development, 17(3), 45–58. https://doi.org/10.30476/jmed.2022.94837.1442

43. Škokić, V., Jelić, P., & Jerković, I. (2025). The role and contribution of sustainable development goals as a transformative framework in higher education: A case study of the University of Split. World, 6(1), 22. https://doi.org/10.3390/world6010022
44. Sterling, S. (2010). Transformative learning and sustainability: sketching the conceptual ground. Learning and Teaching in Higher Education, 5(11), 17-33.
45. Tilbury, D. (2011). Higher education for sustainability: A global overview of commitment and progress. In Higher Education in the World 4: Higher Education's Commitment to Sustainability. GUNI.
46. UNEP (2014). Greening Universities Toolkit.
47. UNESCO (2017). Education for Sustainable Development Goals: Learning Objectives. UNESCO Publishing.
48. UNESCO (2021). Futures of Education Report.
49. UNESCO. (2009). UNESCO World Conference on Education for Sustainable Development: Proceedings. UNESCO.
50. Vallaeys, F. (2014). University social responsibility: A mature and responsible definition. In Global University Network for Innovation (GUNI).
51. Wals, A. E. J. (2014). Sustainability in higher education in the context of the UN DESD: A review of learning and institutionalization processes. Journal of Cleaner Production, 62, 8–15. https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2013.06.007
52. Watson, D., Hollister, R. M., Stroud, S. E., & Babcock, E. (2011). The Engaged University: International Perspectives on Civic Engagement. Routledge.
53.Zaker Salehi, G., & Azar, K. (2022). University social responsibility in confronting the COVID-19 crisis: A meta-synthesis approach. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 28(4), 55–76. [In Persian]
54. Zamandi, A., Hasani, M., & Ghalavandi, H. (2022). Modeling interpretive-structural components of university social responsibility to enhance social capital (Case study: Shahid Beheshti University). Journal of Social Capital Management, 9(3), 115–138. [In Persian]